

## جرگه مشورتی صلح ، یک نمایش مضحک

با صراحت میتوان گفت که جرگه مشورتی صلح در بهترین حالت میتواند به مثابه " شوراي اهل حل و عقد" در زمان زمام داری برهان الدین ربانی در 1992 میلادی ، تلقی گردد. در آن زمان برهان الدین ربانی جهت ابقا خودش در مقام ریاست جمهوری ، از این ترفند سود جست و بیشتر از یک هزار نفر را بنام بزرگان اقوام خریداری نموده و گرد خود جمع نمود و زمام داری خویش را بگونه غیر قانونی و کاملاً دستوری ، تحمیل نمود.

اینبار مگر جناب کرزی در مشورت با همین افراد توطئه گر و فرصت طلب ، همان خبط ای را مرتکب گردید که سلف وی گردیده بود. جالب اینجاست که همان برهان الدین ربانی ، ریاست این جرگه را نیز عهده دار گردیده است و از آدرس جرگه صلح به دشمنان دیروز خود چراغ سبز نشان میدهد و نیز با دیده درائی ذاتی خود اعتراف میکند که تا دیروز مخالف حقوق زنان بوده است. وی میگوید: "ما هم زمانی مخالف آموزش دختران و حقوق زنان بودیم، اما بعداً متوجه شدیم که این ها عملی و واقعی نیست". پرسیده میشود که جناب شان چه زمانی متوجه شدند که پامال نمودن حقوق زنان و مخالفت با تحصیل دختران ، عملی نیست و از واقعیت قرن بیست و یکم ، هزاران هزار فرسخ فاصله دارد؟

آیا جناب شان اینرا هم گاهی متوجه شده اند که کشتار خلق خدا بنام اسلام و حکومت اسلامی و تجاوز به زن و فرزند مردم و تخریب شهر زیبای کابل و هزار و یک ناروای دیگر و همه و همه زیر نام اسلام و دین و مذهب ، هم عملی نبود ؟ فکر نکنم هنوز هم به این واقعیت رسیده باشند.

سخنرانان اصلی را در نخستین روز جرگه ، عالی جنابان حامد کرزی ، صبغت الله مجددی و برهان الدین ربانی تشکیل میدادند. باقی ماجرا خود بخود حل است و از همین اکنون واضح و مبرهن است که این جرگه ره بکجا میبرد. جالب این است که از مدت دوماه بدین طرف حکومت کابل و حامیان خارجی شان از تمام امکانات دست داشته استفاده نموده اند تا امنیت این جرگه صلح را به زور تفنگ حفظ کنند، اما در این امر هم ناکام شدند و در نخستین ساعات افتتاح جرگه ، حملات راکتی و انتحاری همزمان در محل برگزاری جرگه صورت گرفت و اشتراک کنندگان را سرآسیمه ساخت . اشتراک کنندگان همه از جا های خود برخاستند و الله و اکبر گویان ، بنای فرار را گذاشتند و حامد کرزی که شاهد از هم پاشی جرگه بود و همه تلاش های خود را در یک لحظه کوتاه ، نقش بر آب می دید، خطاب به حاضران در حال فرار ، گفت : " احتمالاً کسی در حال پرتاب راکت است. نگران نباشید. بیایید ادامه دهیم." ، جناب کرزی ارادی یا غیر ارادی به جنگ سالاران حاضر در جرگه تفهیم نمود که آنها در هر حالت با راکت پرانی ها خو گرفته اند و نباید از این بابت تشویشی بخود راه دهند و بدین گونه از فرار آنها جلوگیری کرد، مگر و اما ، این حملات باعث آن گردید که جلسات جرگه یک ساعت متوقف گردد و خون در رگ های حاضران دوباره به جریان افتد.

جالب اینجاست که گروپ ربانی و شرکا ، یعنی " جبهه به اصطلاح ملی " قبلاً اعلان نموده بودند که از اشتراک در این جرگه خودداری می نمایند . فاضل سنچارکی سخنگوی "جبهه ملی" در این باره به بی بی سی فارسی گفت: " این جرگه از نظر ما آن وزن و اعتبار و جایگاه حقوقی لازم را ندارد. ثانیاً این جرگه، فرمایشی و حکومتی است و اعضای این جرگه توسط مقامات حکومتی از گوشه و کنار کشور گلچین شده اند." و اما و مگر ، برهان الدین ربانی خلاف تصمیم " جبهه ملی " ، در این جرگه اشتراک کرد و به حیث رئیس جرگه منصوب گردید. از سوی دیگر داکتر عبدالله هم از اشتراک در این جلسه خودداری نمود و بدین گونه شگاف عمیقی در " جبهه ملی " رو نما گردیده و " جبهه " را چند پارچه یا لا اقل دو پارچه نمود، یعنی اینکه جرگه مشورتی صلح از نخستین ساعات آغاز بکار ، نفاق و شقاق را دامن زد، هرچند این نفاق و شقاق در داخل " جبهه " باشد یا هر جای دیگر. از جانب دیگر جناب کرزی به خواسته های مشروع و قانونی پارلمان کشور مبنی بر معرفی کاندید وزیران به پارلمان قبل از برگزاری جرگه ، وقعی نگذاشته و از معرفی وزرای باقی مانده به پارلمان خودداری کرد و بدین گونه بر علاوه اینکه قانون کشور را نقض کرد ، در بین اعضای پارلمان نیز تفرقه ایجاد نموده و بدین گونه از شرکت وکلای ناراض در جرگه ، جلوگیری نمود.

از جانب دیگر قرار گزارشات دو نفر از متحدین کرزی از اشتراک در این جرگه خودداری نمودند. این دو متحد جناب کرزی یکی محمد محقق است و دیگری رشید دوستم. این درحالیست که فرستادگان محقق در جرگه بصورت گسترده حضور دارند. اما رشید دوستم میگوید که این جرگه بی فایده است. سایت انترنتی " لوی افغان " گزارش میدهد که :

".....جنرال دوستم د یوې اعلامیې په خپرولو سره د سولې روانه جرگه بی ګټې بللې او پر حکومت یې کلک انتقادونه کړي او ویلي یې چې دغه جرگه د سولې لپاره نه بلکې حکومت د نورو موخو لپاره جوړه کړې ده ....."

دوستم در این اعلامیه علاوه میکند که اشتراک نکردن دوستم و احمد ضیا مسعود و محقق در این جرگه نشان میدهد که این جرگه ، یک جرگه ملی نیست. یعنی اگر این سه کلاه در جرگه شرکت میکردند، در آنصورت جرگه ملی بود. وی اضافه کرده است که هرگاه حکومت مرکزی به وعده ها ایکه به وی داده بودند به زودترین فرصت ممکنه وفا نکند، وی تصمیم خود را خواهد گرفت. قرار معلوم از این وعده ها جناب کرزی به محقق و سیاف و ربانی و دیگران نیز داده است که همه روز تا روز گریبان وی را خواهند گرفت.



از دیگر افراد مورد نظر حامد کرزی در جرگه مشورتی صلح ،میتوان از محمد قسیم فهیم ، محمد کریم خلیلی، عبدالرسول سیاف ، سید احمد گیلانی ، محمد اسمعیل (بی تخلص )، سرور دانش ، محمد اکبری ، حاجی دین محمد ، سید منصور نادری و عبدالهادی ارغندیوال ، نام برد. اینها افرادی اند که نظر به ملحوظات خاص زمانی ، از مقربین کرزی بحساب میروند و از جانب دیگر همه این افراد، از جنگ آوران و جنگ افروزان و جنگ جویان شناخته شده هستند که دستان ناپاک شان بخون های پاک بیش از شصت هزار هموطنان مظلوم و بی دفاع ما تنها و تنها در شهر کابل ، رنگین است و بجز جنگ و شقاوت و خونریزی و چور و غارت ، چیز دیگری را فرا نگرفته اند، چگونه میشود با یک مشت افراد شرور و جانی و جنگجو ، صلح را بکشور بازگرداند؟!

از دیدگاه بیرونی اگر به این جرگه نظر اندازی شود ، به یک سیاست کجدار و مریز از سوی امریکائی ها برمخوریم که این خود باعث ناکامی جرگه به اصطلاح صلح خواهد بود.

امریکائی ها در حالیکه بیش از سی هزار عسکر دیگر را به جنگ افغانستان میفرستند ، جنگ هلمند را راه اندازی میکنند و جنگ قندهار را پی ریزی میکنند و..... و از جانب دیگر مصارف سرسام آور جلسه صلح را که گفته میشود بیشتر از 160 میلیون یورو است ، در اختیار مقامات حکومت کابل قرار میدهند تا به بلند منزل ها و بانک ها و حسابات بانکی شان در خارج از کشور بیفزایند. یعنی از یک جانب به مخالفین مسلح چراغ سبز نشان میدهند و از جانب دیگر به دشمنان خونین آنان بوجی های دالر و پوند و یورو ارزانی میدارند تا اگر با مخالفین مسلح به توافق نرسیدند، خدمتگاران فعلی را از دست نداده باشند. چگونه امکان دارد یک حکومتی به میان آورد که یک مشت جنایتکاران جنگی و ناقضین حقوق بشر آنها رهبری نمایند و انتظار آوردن صلح از آنان داشت؟

مقامات امریکائی در حالی از جرگه مشورتی صلح ابراز حمایت میکنند که ترتیبات چندین ماهه جهت عملیات نظامی در قندهار گرفته شده و عنقریب قندهار هم بعد از هلمند به خاک و خون کشیده خواهد شد. جنگ های شدید برگ مثال در ولایت نورستان نشان دیگر است از مطرود دانستن جرگه مشورتی صلح ، از سوی مخالفان مسلح.

قرار معلوم مقامات نظامی امریکائی در افغانستان و نیز استراتژیست های پنتاگون و قصر سفید ، از تاکتیک تضعیف مخالفین مسلح پیروی کرده و می خواهند آنها را در میدان جنگ به یک بن بست نظامی قرار دهند تا در میز مذاکره دست بالائی داشته باشند و همین شیوه را حامد کرزی و حامیان داخلی وی نیز دنبال میکنند. از جانب دیگر موجودیت

برهان الدین ربانی و رسول سیاف و کریم خلیلی و محمد اکبری و سید منصور نادری در این جرگه مشورتی، خود مشت محکمی است که بر فرق مخالفین مسلح کوبیده شده است. قسمی که گفته آمد، این جرگه با مشورت و موجودیت افراد یاد شده در آن، در بهترین حالت میتواند یک "شورای اهل حل و عقد" دیگر باشد که به زمام داری حامد کرزی که قرار افواها در شش ماه آینده سقوط خواهد کرد، قانونیت بخشد.

تازمانیکه عدالت در سرزمین جنگ زده ما حکمفرما نگردد و تا زمانیکه جنایتکاران جنگی چپ و راست و ناقضین حقوق بشر به پنجه عدالت سپرده نشوند، محال است که صلح و آرامش به کشور ویرانه و بی در و دروازه ما برگردد. اما و مگر اجراً عدالت در سرزمین سوخته ما، از پالیسی های نظامی امریکا به فرسخ ها فاصله دارد و اصلاً گفته میتوانیم که کاملاً در تضاد قرار دارند و چون صلح به کشور جنگ زده ما برگردد، دیگر ضرورتی به قوای خارجی در آن دیده نمیشود، اما قرار شواهد انکار ناپذیر، بیرون شدن قوای خارجی از افغانستان به این زودی ها، خواب است و خیال است و جنون. سرمایه گذاری های سرسام آور امریکا و متحدین در داخل و خارج از افغانستان، خود گواهی بر این حقیقت مسلم است.

جالب این است که جناب حامد کرزی در یک قسمت بیانیه افتتاحیه خویش فرموده اند که: ".....از طالبان نیز می خواهم و صدا می کنم که طالبان جان به پروسه صلح پیوند و از جنگ دست بردار"، اما طالبان جان با فیر چند راکت به محوطه جلسه، به ریش رئیس جمهور می خندد. سایت انترنتی "تاند" گزارش میدهد که جناب رئیس جمهور در بیانیه شان فرموده اند: "..... طالبان وایی تر هغو خبری نه کوو چی بهرنیان نه وی وتلی او بهرنیان بیا وایی تر هغو چی طالبانو مو نه وی له منخه وری له افغانستانه نه و خو د دی خبری مانا دا ده چی دواړه په خپل منخ کی سره جوړ دي او زموږ ملت ته یې لاس یو کړی دی". یعنی اینکه جناب کرزی امریکا را متهم میکند که با طالبان جان ها شریک است. اما جناب رئیس جمهور تادیه 160 میلیون یورو غرض تمویل جرگه را چگونه توجیح میکنند؟

از سوی دیگر صبغت الله مجددی رئیس مشرانو جرگه در سخنرانی خویش که بعد از سخنرانی افتتاحیه رئیس جمهور صورت گرفت، سخنان کرزی را تکرار کرد. سایت انترنتی "تول افغان" در مورد گزارش میدهد که جناب مجددی در قسمتی از سخنرانی شان فرمودند: "..... طالبانو ته چی وویو چی راخی سوله وکړی نو هغوی وایی، چی تر خو بهرنیان نه وی وتلی مونږ سوله نه کوو، او بهرنیان وایی، چی تر خو طالبان نه وی ختم شوي مونږ نه ووخو، نو له دي معلومیږي، چی دواړه په خپل منخ کی سره جوړ دي او چل یې مونږ ته جوړ کړی دی". فهمیده نمی شود که این سخنان از کرزی است یا از مجددی. قرار گزارشات، جناب کرزی بعد از آنکه این جملات را ابراز داشتند، متوجه اشتباه خود گردیده و در صدد اصلاح خویش برآمدند، اما مجددی که الفاظ کرزی را تکرار میکرد، هرگز متوجه نشد که به اربابان خود نیش نشان داده است.

اما اگر وضع به همین منوال پیش رود و به اصطلاح عام "همین آش باشد و همین کاسه" که مردم افغانستان نه تنها از آش آن نخوردند، بلکه دود آن چشمان شان را نیز کور کرد، به یقین که دامنه جنگ گسترش خواهد یافت و آهسته آهسته به یک جنگ همه گیر و دامنه دار مبدل خواهد شد و مردم افغانستان از اینهمه جور و جفا و بی عدالتی و از این همه خود بخشی ها و عفو جنایتکاران جنگی و حاکم ساختن آنان بر سرنوشت شان، به فغان خواهند آمد و قیام خواهند کرد و هر خار و خسی در سر راه شانرا خواهند روفت و این هیچ ارتباطی و هیچ پیوندی با تروریسم و القاعده و طالب نخواهد داشت و جنگ آزادی بخش ملی خواهد بود و دیگر گلبدین و قطب الدین و ملا و مولوی را در آن راهی نخواهد بود، چه گفته اند از موده را آزمودن خطاست.

امریکا و متحدین نیز دو راه بیشتر ندارند، یا با مردم باشند و عدالت را مرعی الاجرا دارند و یا با دشمنان مردم که همین حکومت موجوده با اراکین ملکی و نظامی و ملیشه ئی و اربکی شان هستند، کجدار و مریز کرده و از این گونه جرگه های مضحک که صرف خرپول ها را متمدول تر می سازد، هر از گاهی دائر کرده و به ریش مردم بخندند، که در آنصورت خنده آخر از آن مردم افغانستان خواهد بود و این یک حقیقت مسلم و به اثبات رسیده است. مردم افغانستان در دوستی خود از سر و مال خود میگذرند و در دشمنی، سرسخت ترین و خشن ترین دشمن هستند. انتخاب با شماست. یا با مردم باشید و یا با دشمنان مردم. راه دیگری وجود ندارد و این جرگه های فرمایشی و مضحک هم هیچ دردی را دوا نخواهد کرد.